

ده بی عدالتی اقلیمی

گزارشی از سایت **concern worldwide**

ترجمه: رها عسکری زاده

تغییرات اقلیمی تنها موضوع حفاظت از محیط‌زیست نیست، بلکه مسئله عدالت و حقوق بشر است.

همان‌طور که سازمان ملل می‌نویسد: «بار تأثیر تغییرات اقلیمی بین فقیر و غنی، زنان و مردان و نسل‌های مسن و جوان به‌طور برابر یا عادلانه تقسیم نخواهد شد». تنها موضوع، حفاظت از محیط‌زیست نیست، بلکه مسئله عدالت و حقوق بشر است. در ادامه، ۱۰ موردی را می‌خوانید که بی‌عدالتی اقلیمی در آن رشد می‌کند.

بی‌عدالتی جغرافیایی

یکی از اصول کلیدی جنبش عدالت اقلیمی این واقعیت قابل‌اثبات است که بسیاری از کشورهایی که کمترین مسئولیت را در قبال بحران اقلیمی کنونی دارند، آن‌هایی هستند که اثرات آن را شدیدتر احساس می‌کنند.

می‌توان این مسئله را در داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط بانک جهانی درباره کشورهای با کمترین میزان انتشار کربن مشاهده کرد. کشورهایی مانند سومالی، چاد، مالاوی و نیجر از جمله کشورهای هستند که با اینکه سهم بسیار کمی در انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی دارند بیشترین آسیب را از تغییرات اقلیمی می‌بینند. روشن است که برخی از کشورهای کم‌توسعه‌تری که دارای بالاترین ردپای کربن هستند نیز با این اثرات روبرو هستند، اما این کشورها تا اندازه زیادی می‌توانند هنگام وقوع حوادث واکنش نشان دهند. اما جمهوری دموکراتیک کنگو، سودان جنوبی و برونودی منابع کمابیش کمتری برای مقابله با حوادث دارند.

عدالت اقلیمی: جغرافیا

بسیاری از کشورهایی که کمترین مسئولیت را در فاجعه اقلیمی فعلی دارند همان‌هایی هستند که بیشترین آسیب را از تغییر اقلیم می‌بینند.

کشورهایی با کمترین سرانه انتشار CO2

- ۱- جمهوری دموکراتیک کنگو
- ۲- سومالی
- ۳- برونندی
- ۴- چاد
- ۵- جمهوری آفریقای مرکزی
- ۶- مالاوی
- ۷- رواندا
- ۸- نیجریه
- ۹- سودان جنوبی
- ۱۰- ماداگاسکار

کشورهایی با بیشترین سرانه انتشار CO2

- ۱- قطر
- ۲- کویت
- ۳- امارات متحده عربی
- ۴- بحرین
- ۵- بروئی
- ۶- پلاکو
- ۷- کانادا
- ۸- استرالیا
- ۹- لوکزامبورگ
- ۱۰- عربستان سعودی

منبع: بانک جهانی

استعمار شهرک‌نشینان و استثمار بومیان

گزارش هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی (IPCC) که امسال منتشر شد شامل چیزی بود که در گزارش‌های قبلی به آن اشاره‌ای نشده بود؛ «آسیب‌پذیری به‌بار آمده از خلال چالش‌های توسعه کنونی، تحت تأثیر الگوهای تاریخی و پایای بی‌عدالتی، مانند استعمار است. به‌خصوص در نسبت بسیاری از مردم بومی و جوامع محلی.» گزاره‌ای که با اعتماد به‌نفس بالایی نوشته شد. این یک لحظه بزرگ برای حقایق تغییرات اقلیمی است که تاکنون زیاد به آن پرداخته نشده بود. تسخیر و گسترش خارجی برای قرن‌ها یک واقعیت در تاریخ بوده، اما در اواخر دهه ۱۸۰۰ میلادی بود که بسیاری از کشورهای اروپایی به علت نیازهای ناشی از انقلاب صنعتی، به‌اصطلاح «تقلا برای آفریقا» را آغاز کرده و با ایجاد مستعمرات، از منابع طبیعی تازه استفاده کردند تا تولید را افزایش دهند. این استثمار طبیعت و همچنین انسان‌ها تا نیمه دوم قرن بیستم ادامه یافت. و نه تنها کشورها را در برابر تله‌های گرم و رویدادهای شدید آب‌وهوایی آسیب‌پذیر کرد، چه بسا باعث شد که مردم در این کشورها منابع کمتری برای پشتیبانی از خود و

خانواده‌هایشان داشته باشند. این اثرات همچنین بیشترین تأثیر را بر روی جوامع بومی دارد. جوامعی که از نظر سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو)، بهترین متولیان منابع طبیعی هستند.

ما شاهد این بازی در ایالات متحده با اعتراضات خطوط لوله دسترسی داکوتا در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۶ بوده‌ایم. خط لوله پیشنهادی به‌طور نامتنا سبی بر زندگی جوامع لاکوتا و داکوتا که در منطقه حفاظت شده استندینگ راک زندگی می‌کردند، تأثیر می‌گذاشت. به‌طور مشابه، سازمان ملل متحد اشاره می‌کند که مردم بومی در صحرای کالاهاری (که در سراسر بوتسوانا، نامیبیا و آفریقای جنوبی امتداد دارد) ناچارند در اطراف چاه‌های آبی حفر شده به دست دولت زندگی کرده و به حمایت دولت تکیه کنند، زیرا معیشت سنتی چوپان‌های آن‌ها به علت فرسایش زمین به خطر افتاده است.



شرح عکس: ناتالی واتو (۳۳) به همراه پسر پنج‌هفته‌ای‌اش سووناتور در زمین کوچکی که خانواده‌اش در نزدیکی خانه‌شان در جمهوری آفریقای مرکزی دارند. جمهوری آفریقای مرکزی که مستعمره سابق فرانسه بود، از زمان به دست آوردن استقلال، دچار بحران‌های متعددی شده است، از جمله مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی. پیش‌بینی می‌شود که دمای هوا در سراسر کشور بسیار بالاتر از معیار ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد افزایش یابد. برخی تخمین می‌زنند که دمای هوا تا پایان این قرن بین ۳٫۱ تا ۵٫۷ درجه سانتی‌گراد افزایش خواهند یافت. (عکس: کریس د بوند/کانسرن وردواید)

بی‌عدالتی جنسیتی

اثرات تغییرات اقلیمی می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی که از قبل موجود بوده‌اند را تشدید کنند، به‌ویژه در مورد جنسیت. همان‌طور که ماچا فورن این، فعال تایلندی می‌گوید: «اگر در زندگی روزمره نامرئی با شید، در شرایط بحرانی به نیازهای شما فکر نمی‌شود، چه برسد به رسیدگی.»

زنان اغلب بیشتر از حوادث اقلیمی آسیب می‌بینند. آن‌ها بیشتر به منابع طبیعی مانند آب و هیزم وابسته هستند، به این معنی که اگر این اقلام کمیاب شوند، ممکن است نیاز به جابه‌جایی بیشتری برای آن‌ها باشد. و در نتیجه زمانی که برای انجام کار خانگی بدون مزد صرف می‌شود، افزایش می‌یابد. همچنین در برخی زمینه‌ها، خطرات خشونت مبتنی بر جنسیت بیشتر است. نابرابری‌های جنسیتی در یک جامعه ممکن است زنان را در برابر عواقب فوری یک حادثه طبیعی آسیب‌پذیرتر کند. و یا در هنگامه‌ی ارائه راه‌حل‌های کاهش آسیب بلایا و طراحی و اجرای دیگر واکنش‌های تغییرات اقلیمی، آن‌ها را از تصمیم‌گیری حذف کند.

بی‌عدالتی اقلیمی میان‌نسلی

در حالی که نسل‌های جوان‌تر مبارزه برای اقدامات اقلیمی را آغاز کرده‌اند، بخشی از این امر از یک ضرورت جدی می‌آید: سازمان Carbon Brief برآورد کرده که کودکانی که امروز متولد می‌شوند باید هشت برابر کمتر از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های خود دی‌اکسید کربن منتشر کنند تا کره زمین بیش از ۱.۵ درجه افزایش دما پیدا نکند. با وجود کاهش مقطعی انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی در دهه ۱۹۳۰، از دهه ۱۹۴۰ تا به امروز، این میزان به‌طور پیوسته افزایش یافته. به این معنی که بسیاری از کسانی که مسئول این آسیب هستند زنده نخواهند بود تا کاملاً اثرات این مسئله را ببینند. در همین حال، نسل‌های جوان، اگر نگوییم تمام عمر خود، بلکه بیشتر آن را صرف مقابله با از دست دادن و ویرانی زمین، کمبود منابع، و مسائل بهداشتی مرتبط با دمای شدید و رویدادهای ناگوار طبیعی و اثرگذار خواهند کرد.

بی‌عدالتی اقتصادی

تغییرات اقلیمی و فقر یک چرخه معیوب تشکیل می‌دهند. بر پایه آخرین تخمین‌های بانک جهانی، تغییرات اقلیمی کنترل نشده می‌تواند تا ۱۰ سال آینده ۱۳۰ میلیون نفر دیگر را به فقر بکشد. این برای دستاوردهای اخیر در توسعه بین‌المللی، به‌ویژه برای ۱۳۰ میلیون نفر در معرض خطر - و صدها میلیون نفری که امروز در فقر زندگی می‌کنند، فاجعه‌بار خواهد بود.

افرادى که در فقر شدید زندگى مى‌کنند برای امرارمعاش به زمین تکیه دارند، چه از راه کشاورزی و چه از راه دامداری. ۷۰ درصد از کسانی که امروز در فقر شدید زندگى مى‌کنند را زنان تشکیل مى‌دهند. چرخه فقر، با ترکیب چنین بی‌عدالتی‌های اقلیمی مجدداً تکرار مى‌شود؛ و زیان‌های وارده توسط این افراد، بدون حاشیه‌ی خطا یا ایمنى، ضررهای یک فاجعه مرتبط با اقلیم را ویرانگرتر خواهد کرد.

نژادپرستی

همان‌طور که جرمی ویلیامز نویسنده و فعال در عنوان کتاب ۲۰۲۱ خود می‌گوید، تغییرات اقلیمی نژادپرستانه است. و این به میراث استعماری بحران اقلیم مرتبط است (به بالا مراجعه کنید). در مقاله‌ای بر اساس همین فرض، ویلیامز متولد ماداگاسکار از ورونیکا مولنگا، فعال زامبیایی نقل قول می‌کند که:

بی‌عدالتی‌هایی که در گذشته رخ داده و امروز هم در جریان است، جوامع سیاه‌پوست، بومی و رنگین‌پوستان را در معرض خطرات بهداشت محیطی بسیار بیشتری نسبت به جوامع سفیدپوست قرار داده است. کسانی که بیشتر تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرند، جوامع سیاه‌پوست و فقیر هستند. به‌عنوان یک قاره، ما یکی از سخت‌ترین آسیب‌ها از تأثیرات تغییرات اقلیمی می‌بینیم و از پی‌شرف‌ت جهان به سمت اقتصاد کم‌کربن، کنار گذاشته شده‌ایم. راه‌حل‌های اقلیمی بدون در نظر گرفتن کسانی که بیشترین آسیب را می‌بینند، به حذف اقلیمی ختم خواهد شد.

ورونیکا مولنگا - فعال اقلیمی - زامبیا

تأثیرات نژادپرستی بر تغییرات اقلیمی نیز با برخی از اشکال دیگر نژادپرستی در جوامع خاص و میان سرزمین‌ها همراه است: الیزابت یمپیر، کنشگر محیط‌زیست، به آسیب‌های تصاعدی ناشی از طوفان‌های ماریا و کاترینا و واکنش آهسته‌ای که در پی آنها به وجود آمد، اشاره می‌کند. گزارش دانشگاه نیویورک در سال ۲۰۱۷ نیز نژادپرستی و دیگر اشکال حاشیه‌نشینی را با مسکن در مناطق آسیب‌پذیر مانند دشت‌های سیلابی مرتبط می‌داند. این پیوستگی‌ها تصادفی نیستند.

موانع زبان و سواد و وضعیت مهاجرت

مرکز ارتباطات محیطی یل، به بهترین شکل این موضوع را بیان می‌کند: «موانع زبانی می‌تواند برای جوامع مهاجر دریافت اطلاعات اولیه درباره طوفان‌ها یا پیشامدهای اقلیمی یا آتش‌سوزی‌های جنگلی، یا برقراری ارتباط مؤثر با نیروهای کمک‌های اولیه در بحبوحه تخلیه را دشوار کند.»

این یک چالش رایج در میان جوامع پناهنده است، که اغلب در میان آسیب‌پذیرترین افراد جامعه میزبان هستند و حتی اگر در یک کشور همسایه آواره باشند، ممکن است زبان مشترکی نداشته باشند. به‌عنوان مثال، بسیاری از پناهجویان روهینگیا ساکن بنگلادش پناهگاه‌های خود را بارها به دلیل بادهای موسمی، سیل و آتش‌سوزی از دست داده‌اند. این تاندازه‌ای به این دلیل است که آن‌ها از ساختن سرپناه‌هایی به روش دائمی منع شده‌اند و «خانه‌های» خود را در کمپ‌های پناهندگان که بسیار در برابر عوامل طبیعی آسیب‌پذیر است می‌سازند. برای آن دسته از پناهندگانی که بنگالی صحبت نمی‌کنند، دریافت اطلاعات رسمی در زمان پیش‌بینی طوفان نیز می‌تواند چالش‌برانگیز باشد.

ما به این بخش، بی‌سواد را نیز اضافه می‌کنیم: در جوامعی که از ساختارهای زیانمند مردسالاری پشتیبانی می‌کنند، زنان بیشتر بی‌سواد هستند. این امر باعث می‌شود نیمی از جمعیت به‌طور کامل نتوانند به اطلاعات موردنیاز خود پیش، در هنگام و پس از رخ‌دادن فاجعه دسترسی پیدا کنند.



موبوراک ۸ ساله مادر بزرگش نور را در اردوگاه پناهندگان موبنادونا برای آوارگان روهینگیا در شهر بازار کاکس، بنگلادش، راهنمایی می‌کند. این کمپ در طول پنج سال گذشته اثرات تغییرات اقلیمی را احساس کرده و پناهگاه‌های موقت آن به‌طور معمول به دلیل سیلاب‌های موسمی و آتش‌سوزی تخریب می‌شوند. (نام‌ها واقعی نیستند).

تبعیض علیه معلولان، بیماران مزمن و سالمندان

سال گذشته، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد میزگردی درباره تأثیر تغییرات اقلیمی بر سالمندان برگزار کرد. میشل باشله، کمیسر عالی حقوق بشر، اضافه کرد که تا سال ۲۰۵۰، زمین میزبان جمعیت ۱,۵ میلیارد نفری ۶۵ سال و بالاتر خواهد بود. اگر تا آن زمان نیز انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی را به صفر خالص کاهش ندهد، پیش‌بینی می‌شود گرمایش جهانی از ۱,۵ درجه سانتی‌گراد فراتر رود.

در این میزگرد نتیجه‌گیری شد که سن‌گرایی به آسیب‌پذیری سالمندان در برابر تغییرات اقلیمی می‌افزاید. از دید آماری، افراد بالای ۶۵ سال بیشتر احتمال دارد در طول حوادث اقلیمی جان خود را از دست بدهند یا برای رسیدن به‌جای امن با مشکلات بیشتری مانند تبعیض یا سوءاستفاده به‌عنوان بخشی از واکنش به حوادث مواجه شوند. همچنین آن‌ها در برابر رویدادهای اقلیمی مانند آلودگی هوا، موج‌های گرما و شیوع بیماری‌ها آسیب‌پذیرتر هستند.

کسانی که ناتوان و/یا بیمار مزمن هستند نیز با چالش‌های همانندی روبرو می‌شوند. به لطف بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های آشکار شده توسط کووید-۱۹، که سالمندان، ناتوانان و بیماران مزمن را در گروه‌های پرخطر قرار می‌دهد، شاید اکنون کمی با این نکته‌ها آشنا باشیم. تغییرات اقلیمی در مقیاس مشابهی از بی‌عدالتی کار می‌کند و اثرات آن به‌شدت توسط این جوامع احساس خواهد شد.

اشکال دیگر نابرابری اجتماعی

جنسیت، سن، سلامتی و توانایی تنها برخی از نابرابری‌های اجتماعی از پیش‌موجودی هستند که می‌توانند با تغییرات اقلیمی تشدید شوند. با این حال، این تمام داستان نیست. هنگامی که منابع محدود می‌شوند، تعصب‌هایی که بر یک جامعه سایه انداخته‌اند آشکارتر می‌شوند و این تعصبات بر روی گروه‌های به حاشیه رانده‌شده از جمله جوامع ال‌جی‌بی‌تی کیوپلاس^۱، قبایل و گروه‌های قومی، اقلیت‌های مذهبی، و طبقه و موقعیت اجتماعی پیاده می‌شود. هر شکلی از بی‌عدالتی، در شرایط مناسب، می‌تواند به یک بی‌عدالتی اقلیمی نیز تبدیل شود.



شرح عکس: تازه‌واردان به موگادیشو، سومالی، در فضای باز استراحت می‌کنند. شمار خانواده‌هایی که به دلیل خشک‌سالی و گرسنگی آواره شده‌اند به‌طور پیوسته در دهه گذشته افزایش یافته است و منابع به‌طور فزاینده‌ای رو به کمیاب شدن هستند. (عکس: کیران مک کانویل)

نابرابری منابع باوجود کوشش برای کاهش خطرات اقلیمی

بسیاری از نابرابری‌هایی که در بالا ذکر شد منجر به بی‌عدالتی اقلیمی دیگری می‌شود که دردسر بزرگ‌تری است. همه این مسائل هر بار باعث می‌شوند که هویت‌های کلیدی هنگام بحث و تصمیم‌گیری درباره آمادگی و واکنش در برابر حوادث اقلیمی فراموش شوند.

با همه این حرف‌ها باید آگاه باشیم که آب‌وهوا، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های دیگری را نیز رو می‌کند: به‌طور نمونه تغییرات اقلیمی و گرسنگی به خاطر اینکه مواد غذایی به خاطر گرمایش جهانی کمیاب شده‌اند دست در دست یکدیگر حرکت می‌کنند. یک فاجعه اقلیمی یا حتی شکست‌های روزمره در مقابل بحران‌ها، آموزش میلیون‌ها کودک در جهان را تهدید می‌کند. این می‌تواند یک مورد موقت باشد (مثل وقتی که مدرسه تخریب شده یا به‌عنوان سرپناه در دوران بحران استفاده شود). یا بلندمدت (اگر والدین بچه‌ها را به انگیزه کمک در خانه بچه‌ها را از مدرسه بیرون بیاورند). به همین دلیل است که نگاه به تغییرات اقلیمی و تهدیدات بحران اقلیمی بر جوامع خاص باید از راه یک لنز چندجانبه باشد.

منبع: [کانسرن جهانی](#)